

خبر کارگری - شماره ۲

۲۰ آبان ۱۳۷۹

Editor@kargar.org

تجمع زنان معترض در مقابل سازمان مسکن و شهرسازی رشت

در روز سه شنبه ۷ آبان تعداد زیادی از مستاجرین واحدهای موسوم به کزده رشت در اعتراض به وضع نابسامان این واحدها، در مقابل سازمان مسکن و شهرسازی شهر رشت تجمع کردند. اکثریت شرکت کنندگان این تجمع را زنان تشکیل می دادند که از خانواده های کارمندی - کارگری کم درآمد هستند. یکی از معترضین به خبرنگار ایسنا گفت: این ساختمانها از لحاظ ساخت سیستم گرمایشی، برق، آب، محوطه سازی و امنیت مشکل دارد. تجمع کنندگان بعد چندین ساعت اعتراض، متفرق شدند.

هشدار انجمن صنفی روزنامه نگاران علیه دخالت‌های غیر قانونی خانه کارگر

انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران ۸ آبان، با ارسال نامه سرگشاده ای خطاب به وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اعتراض به دخالت‌های غیر قانونی خانه کارگر در امور مربوط به انجمن های صنفی و کانون های مربوطه از وی خواست تا با رد اساسنامه فرمایشی خانه کارگر که به هیئت مؤسس کانون عالی انجمن های صنفی تحمیل شده است، بستر مناسبی را برای شکل گیری نهادهای مستقل صنفی فراهم آورد.

نقشه های امپریالیزم در صربستان ص ۴

آیا باید از «اصلاح طلبان» حمایت کرد؟

م. رازی

Razi@kargar.org

محاکمه اکبر گنجی در روز ۹ آبان و کتک خوردن وی توسط مسئولان زندان، بار دیگر رسانه های خبری خارج از کشور را به هیجان آورده و اکثر آنها عکس وی همراه با دفاعیات او را منعکس کرده اند.

البته برای کسانی که جهت گیری اصلی سیاسی خود را از دست داده و چشم امید به تحولات درونی رژیم دوخته اند، این محاکمه جنجالی حائز اهمیت است. اما، مسئله اصلی «تحولات» اساسی، در جای دیگری نهفته است. دفاع از حق دموکراتیک «هر» فردی که علیه یک دولت دیکتاتوری به هر شکلی مبارزه می کند را نباید با دفاع سیاسی از نظریات و عملکرد آن شخص یکی تلقی کرد.

حمایت از اصلاح گرایان، به عنوان تنها (و یا اصلی ترین) روش از فعالیت سیاسی و بی توجهی به نقش و موقعیت قشرهایی که پایه های کل رژیم را از طریق مبارزاتشان به لرزه در آورده اند (کارگران، دانشجویان و زنان)، اشتباه محض است.

«اصلاح گرایان» کنونی (حتی رادیکال ترین جناح های غیر حکومتی آن مانند اکبر گنجی یا حشمت الله طبرزدی) نه توان و قابلیت و نه برنامه و نه درک صحیحی از «اصلاحات» مورد نیاز جامعه را دارا نمی باشند.

فعالیت حمایتی اپوزیسیون خارج کشور بهتر است بر محور گرایش های ضد رژیمی و واقعاً «اصلاح طلب» تمرکز یابد، تا جنجالها و دعوای خانودگی یک رژیم ارتجاعی.

بقیه در صفحه ۲

آیا باید.....بقیه ار صفحه ۱

دوم، حق اعتصاب برای کارگران.

یکی از اصلاحات مهم در جامعه ایران لغو کلیه قوانین ضد دمکراتیک از جمله «قانون کار» رژیم است. مادامی که کارگران ایران از حق اعتصاب برخوردار نباشند، تلاطمات اجتماعی ادامه خواهند یافت. خانه کارگر بطور روزمره هر گونه استقلالی را از کارگران و کارمندان سلب کرده و در امور آنها دخالت می کند (رجوع شود به خبر کارگری شماره ۲، در همین نشریه). آیا اصلاح طلبان کوچکترین اشاره ای به این اصل دمکراتیک کرده اند؟ خیر!

سوم، آزادی مطبوعات و حق بیان.

اصلاح طلبان، تنها زمانی خواهان آزادی مطبوعات شدند که باند «راست» روزنامه های آنها را توقیف کرد! چنانچه مطبوعات اصلاح گرایان توقیف نمی گردید، آیا آنها به فکر آزادی مطبوعات و بیان می افتادند؟ خیر! زیرا خود آنها در گذشته از مسببین اصلی سلب آزادی های مدنی بوده اند. اکبر گنجی به عنوان «ایدئولوگ» سپاه پاسداران خود تا دیروز از مسئولان توقیف و سرکوب نظریات مخالف بود. آقای خاتمی جزو نخستین افرادی بود که دستور قتل سلمان رشیدی را تأیید کرد. آیا این حضرات کوچکترین نقدی به گذشته خود کرده اند؟ خیر!

چهارم، حل مسئله ملیت ها تحت ستم.

ایران یک مملکت چند ملیتی است و نه تنها فارس زبانها مورد ارباب و ستم قرار گرفته که ملیت های کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن مورد ستم مضاعف قرار گرفته اند. اصلاحات اجتماعی بدون حل مسئله ملی یک امر تخیلی است. آیا گنجی ها کوچکترین اشاره ای به این مسئله محوری کرده اند؟ خیر! درست بر عکس، حشمت الله طبرزدی در اعلام موجودیت «جبهه دموکراتیک مردم ایران» سخن از «حفظ تمامیت ارضی» به میان آورده است. این واژه به مفهوم سرکوب هر گونه حق دمکراتیکی است که امکان دارد ملیتهای تحت ستم ایران خواهان آن باشند. آیا فعالیت علنی مذاهب غیر تشیع اسلامی مورد پذیرش این حضرات قرار می گیرد؟

منظور «اصلاح طلبان» از «اصلاحات» چیست؟

مدافعان «رادیکال» و «غیر حکومتی» اصلاح گرایان مانند: اکبر گنجی، حشمت الله طبرزدی، شمس الواعظین، باقی، صفری، اشکوری، کدیور و غیره همه از مهره های اصلی همین نظام بوده و امروز به علت زیر ضربه رفتن، به ناگهان «اصلاح طلب» گشته اند! چرا این افراد در گذشته مدافع آزادی مطبوعات و بیان نبودند؟ چرا حتی اکنون، آنها خواهان آزادی مطبوعات و بیان برای همه مخالفان از جمله مخالفان قانون اساسی و کسانی که خواهان تشکیل یک حکومت کارگری می باشند، نیستند؟ «اصلاحات» در جامعه اختناق زده ایران تحت یک حکومت عقب افتاده سرمایه داری-آخوندی مفاهیم خاص خود را دارد:

اول، آزادی برای زنان ایران.

رژیم آخوندی از روز نخست کسب قدرت، بطور آگاهانه و سیستماتیک زنان را مورد ستم قرار داده و با اجرای طرح حجاب تحمیلی و کنار راندن آنها از عرصه اجتماعی و اقتصادی فشار را به شکل روزافزون بر آنها افزایش داده است. نخستین و حداقل خواست هر اصلاح طلبی باید بر محوری آزادی بدون قید شرط زنان در تشخیص چگونگی انتخاب البسه و هر گونه مسئله مربوط به آنها، استوار باشد.

یکی از اتهامات وارد بر اکبر گنجی توسط نماینده مدعی العموم در دادگاه این بود که ظاهراً او اعلام داشته که: «در قانون اساسی اجباری برای پوشیدن حجاب نیست ولی محافظه کاران آن را اجباری کرده اند». البته گنجی این اتهام و سایر اتهامات را مردود اعلام کرد. چنانچه گنجی مخالف حجاب اجباری است آیا بهتر نمی بود که بجای تظلم طلبی در مورد کتک خوردنش و یا اینکه در زندان روزنامه به او نداده اند و یا اینکه از لباس زندان خوشش نمی آید و غیره، دادگاه را به این موضوع اختصاص می داد، و در انتظار مردم جهان نشان می داد که خواهان آزادی زنان است.

گنجی به عنوان یک به اصطلاح اصلاح طلب باید درک کند که بدون آزادی زنان هیچ اصلاحاتی در جامعه رخ نخواهد داد.

خبر کارگری - شماره ۱

۱۸ آبان ۱۳۷۹

Editor@kargar.org

کارکنان شرکت علالدین برای سومین بار اعتصاب کردند

کارکنان شرکت تولیدی علالدین برای سومین بار از آغاز سال جاری تاکنون، در مقابل این شرکت در اتوبان تهران-کرج اعتصاب کردند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، یکی از کارکنان این شرکت در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا گفت: از تعداد ۶۱۰ نفر کارگر این شرکت، در حال حاضر ۳۱۰ نفر در این تجمع و اعتصاب حضور دارند.

وی علت این اعتصاب را عدم دریافت ۸ ماه حقوق ماهیانه کارکنان متحصن عنوان کرد و افزود مسوولین این شرکت علاوه بر این، تمامی امکانات این شرکت از قبیل، آب، برق، تلفن، و غیره را قطع کرده اند و رئیس شرکت نیز متواری می باشد.

کارکنان متحصن، در اتوبان آتش روشن کرده بودند، ولی با این حال، وسایط نقلیه به رفت و آمد خود ادامه می دادند.

گفتنی است تا زمان مخابره ی این خبر، هنوز نیروهای انتظامی در محل حضور نیافته بود.

کارگران کارخانه فرش اکباتان نیز در اعتراض به تعطیل کارخانه و اخراج ۱۰۳۰ کارگر دست به اعتراض زدند.

پنجم، حل مسئله ارضی و دهقانان.

دهقانان فقیر بخش قابل ملاحظه ای از جامعه ایران را تشکیل داده، که در وضعیت بسیار وخیم اقتصادی، فقر، بی سامانی و تغذیه و بهداشت نا مساعد بسر می برند. حل مسئله ارضی به یکی از محوری ترین اقدامات اصلاح طلبانه در جامعه تبدیل گشته است. بدون برخورد و رسیدگی به مسئله دهقانان، اصلاحات ناقص و خالی از محتوا است. آیا «اصلاح طلبان» به این مسئله مهم کوچکترین اشاره ای کرده اند؟ خیر!

ششم، مقابله با نفوذ سرمایه داری و امپریالیزم.

اصلاحات اجتماعی بدون اصلاحات اقتصادی غیر قابل تحقق است. ادغام اقتصاد ایران در تقسیم کار بین المللی، منجر به بحرانی دائمی اقتصادی گشته است. در نتیجه، «اصلاح طلب ترین» و «کاردان ترین» رژیم های سرمایه داری، و «وابسته ترین» آنها به غرب، قادر به رشد نیروی های مولده و «صنعتی کردن» و جهش تکنولوژیک، نخواهند شد. تولید وسایل تولیدی در ایران (و سایر کشورهای جهان سوم) توسط امپریالیزم «ممنوع» اعلام شده است! سرمایه داری ایران هرگز خصلت سرمایه داری غربی را بخود نخواهد گرفت.

از اینرو «اصلاحات»، بدون قطع کامل نفوذ سرمایه داری غربی (و بومی) و امپریالیزم در ایران مفهومی نخواهد داشت. جامعه ایران برای دسترسی به آزادی و آغاز اصلاحات نیاز به جهش صنعتی دارد. اقتصاد ایران مادامی که وابسته به غرب باشد، هیچگاه در آسایش بسر نخواهد برد. تجربه نیم قرن رژیم شاهنشاهی و رژیم خمینی حکایت از این وضعیت دردناک می کند.

«اصلاح طلبان» ایران به مثابه بخشی از هیئت حاکم کنونی در خدمت امپریالیزم قرار خواهند گرفته، و حمایت سیاسی از آنها جایز نیست. حمایت از مبارزات مردم ایران (کارگران، دانشجویان و زنان) که در تقابل با رژیم صورت گرفته، می تواند به مرکز فعالیت اپوزیسیون خارج از کشور مبدل گردد.

آغاز اصلاحات اساسی در جامعه به مفهوم مبارزه ریشه ای با تمام جناح های هیئت حاکم است. توهم داشتن نسبت به «اصلاح طلبان» حکومتی منجر به تأخیر تحولات اساسی خواهد شد.

۲۰ آبان ۱۳۷۹

بولتن انگلیسی «عمل کارگری» (۲) انتشار یافت

<http://www.kargar.org/english.htm>

نقشه های امپریالیزم در صربستان و مبارزات کارگری

سارا قاضی

Sara@kargar.org

با روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید در ۵ اکتبر در بلگراد ، امپریالیزم جهانی به سرکردگی آمریکا برنامه های تازه خود را در آن منطقه ادامه می دهد . رئیس جمهور جدید، کوستونیکا، نیز در جلسه ای که در فرانسه برگزار گردید، قسم یاد نمود که علیه اپوزیسیون چپ سوسیالیستی کشور ایستاده و در مبارزه و سرکوبی آن کوتاهی نکند.

رهبران آمریکائی و اروپائی این نشست، در حقیقت همان هائی هستند که یک سال و نیم پیش با بمباران بی رحمانه خود مردم صربستان کشتند و خاک یوگسلاوی را به خون نشان دادند، اما امروز همین آقایان برای "دموکراسی" در صربستان سینه چاک داده اند. آنچه که مسلم است و توده مردم و طبقه کارگر صربستان هم باید بدانند، این است که "دموکراسی بورژوائی" در نفس خود تنها حامی منافع بورژوازی داخلی و کشورهای امپریالیستی حامی آن است، نه منافع توده مردم و طبقه کارگر صربستان.

امپریالیزم با روی کار آوردن چنین سمبلی از دموکراسی خود، می خواهد تمام نیروهای مخالف موجود را در منطقه نابود و یوگسلاوی را از وجود هرگونه نیروی مترقی و جنبش کارگری پیشرو و انقلابی پاک سازد. این جا به بجائی مهره ها، همچنین دست امپریالیزم را در نابود کردن ارتش موجود باز کرده و زمینه را برای وابسته کردن نظامی کامل آن کشور به غرب آماده می سازد. لذا "دموکراسی" ای که مورد نظر امپریالیزم آمریکا و متحدان اروپائیش می باشد، چیزی جز یک تهدید همه جانبه نسبت به آزادی، استقلال و حقوق دموکراتیک آن ملت و بالاخص طبقه کارگر آن نیست.

خبر کارگری - شماره ۳

۲۱ آبان ۱۳۷۹

Editor@kargar.org

تجمع اعتراضی کارگران در مقابل فرمانداری نیشابور

کارگران نیشابوری در روز پنج شنبه ۹ آبانماه ۱۳۷۹ به علت واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی این شهرستان به وزارت بهداشت و درمان رژیم، در مقابل فرمانداری این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند. احداث بیمارستان با پول کارگران نیشابور از سال ۱۳۷۰ شروع و در سال ۱۳۷۸ به پایان رسید. سازمان تامین اجتماعی به کارگران وعده داده بود که بعد از پایان ساختمان بیمارستان آن را در اختیار جامعه کارگری این شهر قرار خواهد داد ولی این ساختمان در حدود یک سال و نیم پس از پایان ساختمانش، بدون استفاده باقی ماند.

شایان الذکر است که پیشتر نمایندگان کارگران در مورد واگذاری این بیمارستان به سازمان تامین اجتماعی، هشدار داده بودند؛ ولی این سازمان بدون در نظر گرفتن خواست ۳۰ هزار کارگر این شهر، بار دیگر نشان داد که حاضر نیست هیچ گونه قدمی برای کارگران بر دارد.

از سایت ما دیدن کنید:

<http://www.kargar.org>

جیم اوبراین، مشاور رئیس جمهوری آمریکا و ویلیام مونتگومری عامل اصلی سرنگونی ملاسویچ و روی کار آمدن کوستونیکا، از جمله اولین کسانی بودند که دست او را فشرده و سمت جدید را به او تبریک گفتند. البته حضور شخصی مونتگومری در این مقطع در بلغراد یک دلیل اصلی و پشت پرده ای هم داشت و آن سرعت بخشیدن به پروسه کمک مالی به جریانات راستگرای حامی آمریکا و ناتو و جریانات ضد انقلابی آن کشور بوده است.

در نشست اروپا نیز نه تنها کوستونیکا مورد تشویق کشورهای اروپائی فرانسه، آلمان و انگلستان قرار گرفت، بلکه با مبلغی برابر ۱۷۳ میلیون دلار برای بازسازی آن کشور روانه صربستان شد. البته لازم به یادآوری نیست که اگر این منطقه مورد حمله هوائی یک سال و نیم پیش ناتو قرار نگرفته بود و خرابی ببار نیاورده بود، اکنون بازسازی ای ضروری نمی گشت.

پاسخ کوستونیکا، به اینهمه خیر مقدم هم این بود که ملاسویچ می بایستی تحویل دادگاه صحرائی پراگ (که فعالیتش تحت نظارت مستقیم آمریکا است) گردد. این همان دادگاهی است که کوستونیکا در طی انتخابات آنرا محکوم و آلت دست ناتو معرفی کرده بود. او سپس پیشنهاد می کند که مردم موتی نیگرو (که در حال حاضر زیر سلطه رژیم بورژوائی و طرفدار غرب قرار دارند) می بایستی در رفراندومی شرکت کرده و خواهان جدائی از فدراسیون یوگسلاوی شوند. او به عنوان قدردانی از امپریالیزم، همچنین خواهان داشتن یک مشاور فرانسوی برای امور بازسازی گردید!

در کنار همه این شادمانی ها از جانب رژیم های اروپائی و با وجود اینکه این رئیس جمهور در ماهیتش دست نشانده خود امپریالیزم و به منظور احیای کامل منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا و اروپا در منطقه می باشد، اما با توجه به صحبت های سناتورهای حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه آمریکا مبنی بر تحویل داده شدن تمام متهمان وابسته به رژیم ملاسویچ به دادگاه پراگ، قبل از برچیده شدن کامل تحریم اقتصادی یوگسلاوی، خود نشانگر مرحله

دیگری از تجاوز امپریالیزم آمریکا بر استقلال و آزادی آن منطقه است. امپریالیزم به سرکردگی آمریکا برای محکم کردن جای پای اقتصادیش در این مرحله، نیاز به مهره ای جدید داشت تا بوسیله او و تبلیغات به نفع او و با علم کردن ملاسویچ و سایر عوامل رژیم او به عنوان مسئولان اصلی جنگ در آن منطقه، بتواند مرحله دیگری از برنامه های سلطه گرایانه خود را به اجرا گذارد. در این محکم کردن جای پا البته جای تعجبی نیست که بین رقبای مختلف بر سر ربودن لقمه ای بزرگ تر مبارزه هم صورت گیرد.

در حال حاضر، شرکت های بزرگی همچون براون و روت، آس و جنرال الکتریک آمریکا و شرکت های اروپائی مانند شرکت تلفن ایتالیا و بانک تجارت آلمان همچون گران گرسنه ای آماده حمله هستند.

در جریان براندازی ملاسویچ و روی کار آمدن کوستونیکا، دستگاه های تبلیغاتی داخلی با کمک مالی امپریالیزم و فعالیت مدام بورژوازی کشور، موفق شدند برخی از جریانات کارگری را در طرفداری از براندازی ملاسویچ براه اندازند. کارگران که به علت وضع بسیار بد اقتصادی، آماده حرکت هستند، اما متأسفانه به دلیل کمبود یک رهبری کارگری انقلابی پیشرو در منطقه، هم در جنگ تحمیلی یک سال و نیم پیش و هم در بازی شطرنج این بار امپریالیزم، دستخوش تزویرها و نقشه های امپریالیستی شده و در دام جنجال های تبلیغاتی آن برای اندک مدتی درافتادند.

اگر چه کلیه خواسته های صنفی و مقطعی کارگران در هر زمانی که مطرح گردد، به جا و به حق بوده و می بایستی حمایت گردد، ولی آنچه که در این میان نباید اشتباه گردد، فرق بین یک حرکت یا مبارزه برعلیه بورژوازی و امپریالیزم در جهت دفاع از منافع فوری یا طبقاتی کارگران با یک حرکت سیاسی برای دفاع از یک جناح بورژوازی علیه جناح دیگر است. در درون یک نظام بورژوائی، طرفداری از یک جناح راستگرا برعلیه یک جناح دیگر، هرگز به برآورده کردن کوچکترین خواسته های طبقه کارگر منتهی نخواهد شد و لذا طبقه کارگر باید آگاهانه خود را از جدال های بین

بولتن انگلیسی

«عمل کارگری»

انتشار یافت!

این بولتن را به اتحادیه های کارگری، دانشجویی و زنان کشور اقامت خود ارسال کنید.

Amal-e Kargari

(Workers Action) No. 2

AN ELECTRONIC BULLETIN FROM IRSL

A bourgeois or a proletarian revolution? by M. Razi.

What is the class character of the next Iranian revolution? What is the role of workers?

Click on

<http://www.kargar.org/ak2/Revolution.htm>

for more details. (Translated from Kargar-e Socialist No 83)

The other items are:

1- IRSL's Tasks and Demands

Click on

<http://www.kargar.org/ak2/tasks.htm>

for our updated tasks and demands.

2- A decade and a half ago Mansour Hekmat's Communist Party of Iran (CPI)

refused to take part in any joint activity with any Iranian left-wing organisation because they were all "populist".

Today, following the acrimonious split with Komala and the founding of an even more sectarian group - the Worker Communist Party of Iran (WCPI) - Mansour Hekmat's group is inviting "the Mojahedin, the [Fedaiin] Majority currents, nationalists, monarchists" (!) to its Third Congress.

Click on

<http://www.kargar.org/ak2/wcp1.htm>

For our communiqués see

<http://www.kargar.org/english.htm>

بورژوازی حاکم جدا نگهداشته و به برنامه های پشت پرده این جدال ها توجه نماید.

نظر به تجربه تاریخی طبقه کارگر در آن منطقه، کل طبقه کارگر فدراسیون یوگسلاوی می بایستی تا کنون به این نتیجه رسیده باشد که تمام بلاهائی که از پس سقوط «کمونیسم» در آن منطقه رخ داده است، تنها و تنها دسیسه های بورژوازی ملی و امپریالیسم جهانی به منظور آماده کردن شرایط (داخلی و بین المللی) برای به جریان انداختن گردش سرمایه و بازار آزاد، به بهترین نحو سودآور ممکن بوده است. مطرح کردن اختلافات ملی و مذهبی و پا دادن به آتش آن جنگ خانمان برانداز دو سال پیش و بر روی کار آوردن ملاسویچ به عنوان سمبل جنگ، نه تنها وسیله ای شد برای مصرف سلاح های گرم انباشته شده امپریالیسم، بلکه زمینه را از نظر داخلی نیز آماده کرد: از نظر روحی مردمی را که سال های متمادی بدون هیچ مشکل خاصی در زمینه ملی و مذهبی با هم زیسته بودند، آماده کشتن همدیگر کرد و از آب گل آلود برای نابودی منطقه، ماهی گرفت و تمامی وسائل تولید را با خاک یکسان کرده و اقتصاد ناقص آن منطقه را به همراه جان میلیون ها انسان با خاک یکسان کرد و منطقه را از نظر اقتصادی فلج نمود. از نظر بین المللی هم با استفاده از دستگاه های خبری جهانی خود کوشید تا از خود چهره فرشته نجات را بسازد.

طبقه کارگر صربستان هرگز وضعیت اقتصادی ای به اسفباری حال حاضر نداشته و با آمدن رئیس جمهور جدید و محکم تر شدن موقعیت امپریالیسم در آنجا، شرایط زندگی کارگران روز به روز بد تر هم خواهد شد. در نتیجه تنها راه نجات آنان کوشش در ایجاد یک حزب کارگری انقلابی در سراسر فدراسیون با همت کلیه کارگران انقلابی پیشرو است که بتواند با ارائه یک برنامه انقلابی کل کارگران را به دور یک محور گرد آورد و سپس به مبارزه ای متشکل و انقلابی برای برچیدن امپریالیسم و بورژوازی حاکم در سراسر یوگسلاوی قدم بردارد.

۱۵ آبان ۱۳۷۹

نشانی جدید:

BM Kargar London WC1N 3XX, UK